

متن پرسش

در سؤالات سری قبلی که خدمت‌تان ارسال کردیم، ۲ یک به ظاهر تناقضی میان فرمایشات شما را مطرح کردیم؛ که از طرفی حدس (که از جنس «اشراق» است) را برای دانشمند حصولی هم ممکن دانسته‌بودید، و از طرف دیگر فرموده‌بودید که اشراق در علم حصولی معنا ندارد. آنگاه شما فرمودید که: «اشراق، یک نحوه خطوراتی است که به قلب وارد می‌شود و انسان بدون واسطه آن را احساس می‌کند. ولی علم حصولی، به کمک مقدمات عقلی یا حسی به صورت «مفهوم» در نزد ما واقع می‌گردد.» ظاهراً شما در این پاسخ اخیرتان، ملاک حصولی‌بودن علم را مقدمات عقلی دانسته‌اید! ولی ملاک حصولی‌بودن، همانطور که در تعبیر اخیرتان به آن اشاره فرمودید، این است که: آیا مفهوم معلوم نزد ما حاضر است یا خود معلوم؟ طبق این ملاک، حدس در علوم حصولی اگر چه بدون مقدمه (چه حسی و چه عقلی) و بدون استدلال (الا استدلال مخفی‌ای در نفس انسان که مثلاً «آب دریا در چه صورتی می‌تواند مانع دیدن کشتی بشود؟») انجام گرفته‌است (مثل همان حدس‌زدنِ کروی‌بودن زمین با دیدن دودکش کشتی از دور)، ولی چون خود معلوم (کروی‌بودن زمین) نزد ما حاضر نیست، پس این علم اگر چه با حدس و اشراق صورت گرفته‌است، ولی علم حصولی است. پس اشراق، در علم حصولی هم معنا دارد و نتیجه حدس در علم حصولی، مفهوم معلوم خارجی است نه خود آن. آیا شما با این تحلیل موافق‌اید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی گفته‌می‌شود دانشمند علم حصولی هم می‌تواند حدس بزند به آن معنی است که نفس او هم آمادگی داشتن علم حضوری را دارد ولی در هر حال شما در «حدس» به علمی دست می‌یابید خارج از مقدمات مفهومی است هر چند ممکن است قبلاً به کمک مفاهیمی که در ذهن داشته‌اید به آن موضوع فکر کرده‌باشید ولی مطابق مقدمات علم حصولی به آن «حدس» نرسیده‌باشید. موفق باشید.